

یادداشتهایی درباره کتاب دانشنامه فروید

مؤلف شَرَن هِلِر Sharon Heller مترجم مجتبی پردل، مشهد ۱۳۹۰

نقد: امیر کشفی

این کتاب که اخیراً توسط انتشارات ترانه (مشهد) منتشر شده ترجمه ای است از **Freud, A to Z** که در سال ۲۰۰۵ توسط انتشارات **John Wiley & Sons, Inc.** در آمریکا بطبع رسیده است. نثر روان و شیوای مؤلف - و همچنین مترجم - و مرتب کردن مطالب به شیوه الفبایی از مزایای این کتاب است .

کاستی کتاب این است که بیشتر به تاریخچه (و زندگی شخصی افراد) میپردازد تا به مفاهیم و تئوریهای روانکاوی؛ تکرار برخی مطالب نیز در آن موجب ملالت خواننده میشود. (مثلاً شرح افسانه اَدیپ شهریار سوفوکلس که یکبار در صفحه ۲۷۲ کتاب آمده دوباره در صفحه ۳۰۹ تکرار میشود، و برای بار سوم در صفحه ۳۹۱ شرح داده میشود(!).

با توجه به عنوان اصلی کتاب و محتوای آن، عنوان فارسی مناسب به نظر نمیرسد. چراکه بدون شک هدف مؤلف ارائه «دانشنامه یا دایره‌المعارفی» درباره فروید نیست و تنها به طرح مطالب مقدماتی درباره او میپردازد.

با پیراستن مطالب تکراری و زائد، این کتاب بسیار شبیه به کتاب **Teach Yourself, Freud** نوشته روت اسنودن - (ترجمه بفارسی: «خودآموز فروید»، انتشارات آشیان - ۱۳۸۸) خواهد شد، با این تفاوت که در کتاب مزبور، مطالب بر اساس موضوع دسته بندی شده است.

رویه‌مرفته کتاب **Freud A to Z** بعنوان مقدمه ای برای آشنایی خواننده عام با فروید بسیار مناسب است و برای طیف دانشجویان روانشناسی (و یا علوم انسانی) هم میتواند سرگرم کننده باشد.

دانشنامه یا منظومه عاشقانه؟

در نخستین صفحه این کتاب جمله ای را مشاهده میکنیم که شبیه به مطلع نامه های عاشقانه است: «به هم راز و هم نفس هستی ام، نگین».

از آنجایی که مشخص نشده که این جمله متعلق به چه کسی است (نویسنده، مترجم یا شاید هم ناشر؟)، خواننده در همان گام اول دچار ابهام میشود. - آیا باید به خواندن باقی مطالب پرداخت یا همچون نامه ای خصوصی آن را نخواند و در پی صاحب نامه بود؟! آیا این کتاب برای شخص خاصی نوشته شده است یا خطاب به خوانندگان؟!

باید در نظر داشت که هر آنچه در یک کتاب نگاشته میشود باید بنحوی از انحاء به مطالب کتاب و خوانندگان مرتبط باشد؛ البته این جمله را میتوان با تأویل به عقیده فروید مبنی بر «وجود مطلق انگیزه جنسی در همه شئون زندگی» (حتی تألیف و ترجمه و نشر کتاب)، به مطالب کتاب متصل کرد!

موسی و این قوم بیخبر

اولین جمله «یادداشت مؤلف برای ترجمه فارسی» توجه خواننده را به خود جلب میکند: «بسیاری از جوانان در مشرق زمین حتی نام فروید را نمی شناسند.» (ص ۷).

اگر این ادعای خانم هلر را در نظر داشته باشید و به خواندن «گفتار مؤلف» پردازید خواهید دید که ایشان در آنجا ادعای دیگری را مطرح میکند: «امروزه کسی نیست که از [دیدگاه ها و نظریات فروید] سخن نگوید» (ص 26). در ادامه می افزاید که فروید از چهره های سرشناسی مانند مارکس یا اینشتین هم شناخته شده تر است. بالاخره در صفحه ۶۷ کتاب میگوید: «نام فروید زبانزد خاص و عام است».

به این ترتیب تناقض گویی خانم هلر واضح است و نیازی به توضیح بیشتر ندارد. اما چگونه میتوان این تناقض گویی را توجیه کرد؟ کافی است تا دوباره به «یادداشت مؤلف برای ترجمه فارسی» باز گردید، و جمله دیگری از آن را بخوانید: «فرهنگ فارسی بسیار دورتر از فرهنگی است که فروید نظریات خود را در بطن آن ارائه نمود» و مثل فارسی «در به تو میگویم دیوار تو گوش کن» را هم در نظر بگیرید تا به منظور خانم هلر پی ببرید!

ایشان میخواهد بگوید که: شما جهان سومی ها حتی نام فروید را هم نمی شناسید چه رسد به اینکه از نظریاتش اطلاع داشته باشید! دکتر شارون هلر- که با پیشداوری خواننده فارسی زبان را در مقام نازلی قرار میدهد- همچون موسی از کوه پایین می آید تا این قوم بی اطلاع و ناآگاه را از جهل برهاند!

اینچنین از بالا نگاه کردن به خواننده فارسی زبان در ترجمه هم راه پیدا کرده به گونه ای که اسامی اشخاص با زیر و زیر مشخص شده تا خوانندگان بی اطلاع خوب بفهمند و آنها را اشتباه تلفظ نکنند!

البته به نظر میرسد که ایشان خود سردرگم اند چرا که مثلاً در صفحه ۱۳۲ برای Martin مینویسند «مارتین» و در صفحه ۲۱۷ مینویسند «مارتن»؛ در یکجا مینویسند «اینشتین» و در جای دیگر «اینشتاین».

از واکسیناسیون مذهبی تا ادعاهای آکروباتیک

خواننده این کتاب از «مقدمه ناشر» در شگفتی می ماند. چراکه ناشر این کتاب را با رساله عملیه اشتباه گرفته در آن به شرح احکام فقهی اسلام در باب استمنا و زنا با محارم میپردازد و خواننده را به کتاب «گناهان کبیره» آیت الله دستغیب بعنوان واکسیناسیون مذهبی برای اطلاع از عقاید فروید ارجاع میدهد!

ناشر در حالیکه مفهوم جنسی و تناسلی را باهم خلط کرده از فروید ایراد میگیرد؛ و از سوی دیگر مدعی همسویی اندیشه های مقبول او با اندیشمندان اسلامی میشود و میگوید بسیاری از مفاهیمی را که فروید به کشف آنها نائل آمد، اندیشمندان اسلامی در آثار خود اظهار کرده اند و مزیت فروید تنها در تئوریزه کردن این مفاهیم است و از مولوی شاهد می آورد که :
نفس اژدرهاست او کی خفته است / از غم بی آلتی افسرده است
و مدعی کوشش اندیشمندان اسلامی جهت رسیدن به رشد و تعالی عقلانی میشود. البته برای این ادعا دیگر شاهدی ارائه نمیدهد. ما صرفاً جهت اطلاع ناشر برای این ادعا از مولوی شاهد می آوریم

خرده کاری های علم هندسه یا نجوم و علم طب و فلسفه

این همه علم بنای آخرت که عماد بود گاو و اُشترست

در ادامه ناشر دوباره به شرح دیدگاه های اسلام میپردازد. حدیث نقل میکند و بعد آن را تفسیر میکند و بالاخره با استناد به جناب یونگ اندیشه های فروید را هم راجع به مذهب رد کرده در این موضوع دیگر از تشبث به ادعای شباهت و تلاقی اندیشه های فروید با اندیشمندان اسلامی امتناع میکند! ولی در واقع بین عقاید فروید - مبنی بر موهوم بودن مذهب - و اندیشمندان اسلامی هم میتوان شباهتی یافت! بعنوان نمونه میتوان دوباره از مولوی شاهد آورد:

ذره ذره در دو گیتی فهم تست

هر چه را گویی خدا آن وهم تست

اگر این کمدی را دنبال کنیم خواهیم دید که در آخر خود ناشر هم درمانده که با این اوصاف دیگر جامعه اسلامی چه نیازی به مطالعه این کتاب دارد؟ چراکه بسیار پیشتر از فروید اندیشمندان و فلاسفه اسلامی از نظریات مقبول او مطلع بوده و نظریات نامقبول فروید هم که به کار جامعه ما نمی آید. لذا بناچار میگوید که این کتاب فقط برای نقد عقاید این اندیشمند است. برای رفع و رجوع این مدعا به چاله ای دیگر میپرد و میگوید: مخاطبان این کتاب قشر فرهیخته دانشگاهی هستند!

بنابراین مقدمه ناشر بکلی زائد است. اگر این دیدگاهها و احکام فقهی هم در ترجمه راه پیدا کرده و به سانسور کتاب انجامیده باشد خود اثر نیز چندان مناسب مطالعه نخواهد بود و بیشتر برای همان قشر فرهیخته دانشگاهی مناسب خواهد بود که درد دین دارند و به علت فحامت معلومات از یادگیری زبانهای بیگانه عاجز مانده و چشم براه ترجمه هستند.

ضمیمه

مترجم محترم در مقام پاسخگویی میگوید که: «آن مقدمه نه نوشته ناشر که حاصل تحمیل و در واقع نوشته خود ممیزی مربوطه است! در غیر این صورت کتاب مجوز انتشار نمی یافت».

توجیه ایشان مصداق عذر بدتر از گناه است، چرا که اگر ایشان برای نشر کتابشان کمی صبور بودند (و مشورت میکردند)، و بجای نشر آن در یک شهر مذهبی به ناشری تخصصی در تهران مراجعه میکردند اینگونه مسائل پیش نمی آمد.

ضمناً اگر مقدمه ای که با نام و امضای ناشر در کتاب نوشته شده از آن ایشان نیست و متعلق به شخص دیگری است، پس میتوان شک کرد که شاید ترجمه و... هم متعلق به شخص دیگری باشد!

در پانویشت صفحه ۱۷۳ این کتاب میخوانیم: «واژگان فروید، نوشته دکتر کرامت موللی، نشر نی».

توضیح: «واژگان فروید» نوشته پل لوران اسون و آقای موللی مترجم این اثر است.

تفسیر و رمزگشایی روانکاوانه این اشتباه سهوی را به شما خواننده گرامی واگذار میکنیم!

در صفحه ۲۶۹ کتاب برای اشاره به اشتباهات و اعمال سهوی نمونه ای از فروید ذکر شده: «فروید از بیماری که از لحاظ مالی در مضیقه بود و هیچگونه قرص (pill) درستی نمیخواست چنین نقل میکند که میگفت: «لطفاً به من bill (اسکناس) ندهید چون نمیتوانم آنها را قورت بدهم».

به نظر شما شکایت این بیمار از دکترش متوجه bill (صورتحساب) است یا اسکناس؟